

## نفی در زبان فارسی

آزاده میرزائی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

### چکیده

زبان‌ها در بازنمایی مفهوم نفی از امکانات مختلفی استفاده می‌کنند. پایین با نگاهی رده‌شناختی، به مفهوم نفی پرداخته و آن را به دو گروه «نفی جمله‌ای» و «نفی غیر جمله‌ای» تقسیم کرده‌است. در نفی جمله‌ای که سیطره عملکرد آن بر کل بند است، امکانات مختلفی چون وندافزایی، استفاده از ادات نفی، فعل اصلی و کمکی منفی‌ساز، اسم منفی‌ساز، قیدهای منفی‌ساز و کمی‌نماهای منفی‌ساز مطرح می‌شود. نفی غیر جمله‌ای دو زیربخش دارد که شامل نفی اشتقاقی و نفی در بند پیرو است. در این پژوهش، تلاش می‌کنیم با رویکردی داده‌بنیاد و براساس نمونه‌های موجود در «پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی» و در صفحات وب، امکانات نفی را در زبان فارسی معرفی کنیم. بررسی داده‌ها نشان داد که الگوی غالب منفی‌سازی در زبان فارسی وندافزایی است اما دیگر امکانات نفی جمله‌ای معرفی شده پایین را هم می‌توان در زبان فارسی مشاهده کرد. ادات «نه»، فعل‌های اصلی مانند «خودداری کردن»، فعل کمکی «نکرد»، قیدی مانند «ابدا» و کمی‌نمای «هیچ»، نمونه‌ای از امکانات منفی‌سازی در زبان فارسی هستند. همچنین بررسی داده‌ها علاوه بر صحنه گذاشتن بر وجود امکانات نفی تحلیلی در زبان فارسی، نشان داد که لزوماً با حضور کمی‌نما و قیدهای معرف مفهوم نفی، فعل جمله منفی نمی‌شود.

واژگان کلیدی: نفی، قطبیت، ادات نفی، فعل منفی، زبان فارسی

## ۱- مقدمه

مفهوم نفی چه به لحاظ نظری و چه از لحاظ کاربردی موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. جایگاه نفی و تعلق داشتن یا نداشتن آن به حوزه وجهیت<sup>۱</sup> (گیون، ۲۰۰۱) یا پذیرش آن به عنوان بخشی از مفهوم وجه<sup>۲</sup> (هلیدی و متیسن ۲۰۰۴)، سیطره نفی و حوزه عملکرد آن بر هسته فعلی، فعل و موضوع‌های آن یا کل جمله (گیون، ۲۰۰۱ و ون‌ولین، ۲۰۰۵)، بررسی رده‌شناختی امکانات صرفی- نحوی بازنمایی مفهوم نفی (پاین، ۱۹۸۵ و گیون، ۲۰۰۱)، تعامل نفی و عناصر ساخت اطلاعی (گیون، ۲۰۰۱) و مانند آنها، مباحث نظری را پیش رو نهاده که متناسب با آنها بررسی‌های زبان‌ویژه متعددی سامان گرفته است.

زبان‌ها در بازنمایی مفهوم نفی از امکانات متنوعی استفاده می‌کنند و یکی از موضوعات مطرح در بحث مفهوم نفی، انواع امکانات صرفی یا نحوی است که به بازنمایی این مفهوم در زبان‌های مختلف اشاره می‌کند. بررسی‌های رده‌شناختی نشان می‌دهد که هر زبان معمولاً یکی از این امکانات را به عنوان الگوی رایج منفی‌سازی برمی‌گزیند و هم‌زمان، در کنار آن از امکانات دیگر منفی‌سازی و البته به صورت محدودتر بهره می‌برد. در برخی زبان‌ها مفهوم نفی به شکل دستوری شده و با استفاده از ادات نفی در کنار فعل ظاهر می‌گردد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۷۳). برای مثال در زبان انگلیسی not و در آلمانی nicht، چنین وظیفه‌ای به عهده دارند. البته در زبان آلمانی استفاده از حرف تعریف منفی برای اسم‌ها هم، نوعی سازوکار منفی‌سازی است. در مقابل این امکان، برخی زبان‌ها (مانند زبان فارسی) از وندافزایی برای بیان مفهوم نفی بهره می‌برند. دویخشی شدن نشانگر نفی، امکان دیگری است که در برخی زبان‌ها مانند زبان فرانسه بر تنوع سازوکارهای منفی‌سازی افزوده است.

همچنین بررسی‌های رده‌شناختی، علاوه بر معرفی این امکانات و بسیاری امکانات دیگر، می‌تواند تصویری از نحو جملات منفی و همبستگی آن با ترتیب سازه‌ها یا الگوی رفتاری نشانگرهای نفی در همراهی با برخی سازه‌های جمله به دست دهد. برای مثال در زبان انگلیسی به شرط حضور برخی از قیود منفی‌ساز مانند never nowhere seldom، عنصر نفی حذف می‌شود و فعل با اینکه معنای منفی می‌گیرد اما به شکل فعل مثبت در جمله ظاهر می‌شود. در زبان فارسی چنانچه این قیود ظاهر شوند، فعل همچنان صورت منفی خود را حفظ می‌کند.

1. modality  
2. Mood

چنانکه گفته شد در زبان فارسی و در سطح جمله، بازنمایی مفهوم نفی عمدتاً به شکل وندافزایی است اما شواهد حاکی است که وندافزایی تنها امکان منفی‌سازی در زبان فارسی نیست. پژوهش حاضر ماهیتی توصیفی دارد و با نگاهی داده‌بنیاد و براساس دسته‌بندی پایین (۱۹۸۵)، مفهوم نفی را در زبان فارسی بررسی و تلاش می‌کند در پاسخ به این پرسش که زبان فارسی برای بازنمایی مفهوم نفی از چه امکاناتی استفاده می‌کند، تصویر جامعی از امکانات نفی در زبان فارسی ارائه دهد. بر این اساس، در این پژوهش پس از معرفی امکانات مطرح‌شده از نگاه پایین، نظرات موجود درباره موضوع نفی در زبان فارسی براساس رویکرد پایین مرور می‌شود و در هر بخش با استدلال و براساس داده‌های طبیعی از زبان فارسی، به وضعیت نفی در زبان فارسی توجه می‌شود. برای بررسی داده‌های طبیعی زبان فارسی و ارائه نمونه‌های مناسب، از داده‌های طبیعی موجود در پیکره «گزاره‌های معنایی زبان فارسی» (میرزائی و مولودی، ۲۰۱۶) و یا صفحات وب استفاده شده‌است.

در ادامه، ابتدا پیشینه پژوهش‌ها در موضوع نفی در زبان فارسی مرور می‌شود، سپس نگاه رده‌شناختی پایین (۱۹۸۵) در ارائه و دسته‌بندی انواع امکانات نفی معرفی می‌شود و پس از آن با نگاهی داده‌بنیاد، انواع امکانات نفی معرفی شده پایین (۱۹۸۵) در زبان فارسی در دو بخش نفی جمله‌ای (در بخش ۲) و نفی غیرجمله‌ای (در بخش ۳) بررسی می‌شود. در این بخش ذیل هر قسمت به نظر پژوهشگرانی که با رویکرد پایین مفهوم نفی را در زبان فارسی بررسی کرده‌اند هم توجه می‌شود.

#### ۱-۱- پیشینه پژوهش

در زبان فارسی برخی پژوهش‌ها به نفی واژگانی توجه کرده‌اند و برخی دیگر به نفی فعل یا مفهوم نفی در سطح بند و جمله پرداخته‌اند.

ربانی اصفهانی (۱۳۷۵) مفهوم نفی را به دو بخش حوزه‌ای و جمله‌ای تقسیم می‌کند و بیان می‌دارد که وجه فعل (چه خبری، چه التزامی) بر منفی‌سازی آن اثر دارد. بر این اساس، تمرکز ربانی اصفهانی بر تعامل دو مفهوم نفی و وجه فعل است.

شفاق (۱۳۸۱) به نفی واژگانی پرداخته و انواع پیشوندهایی که مفهوم نفی را منتقل می‌کنند معرفی کرده و هم‌زمان میزان زایایی آنها را بررسی کرده‌است.

منصوری (۱۳۸۳) براساس الگوی پایین (۱۹۸۵)، امکانات منفی‌سازی در زبان فارسی را بررسی کرده‌است. باقری (۱۳۸۵) هم در بررسی انواع امکانات منفی‌سازی زبان فارسی، به

دسته‌بندی‌های پایین توجه کرده‌است. چون در ادامه و در بررسی امکانات منفی‌سازی معرفی‌شده پایین به دو پژوهش منصوری (۱۳۸۳) و باقری (۱۳۸۵) هم پرداخته می‌شود و تفاوت‌ها آنها با پژوهش حاضر بررسی می‌شود، در این بخش برای پرهیز از دوباره‌گویی، بیش از این به این دو اثر پرداخته نمی‌شود اما یکی از تفاوت‌های اصلی پژوهش ما با آنها در این است که از نظر آنها برخی امکانات معرفی‌شده پایین در زبان فارسی وجود ندارد اما در پژوهش حاضر برای این موارد نمونه‌هایی از زبان فارسی آورده شده‌است.

صدیق ضیابری (۱۳۸۸) براساس رویکردهای نحوی و کلامی (حاکمیت و مرجع‌گزینی، نقش‌گرایی و رده‌شناسی)، به بررسی مفهوم نفی در زبان فارسی پرداخته‌است. او برای تشخیص مفهوم نفی در جمله از دو آزمون «پرسش ضمیمه» و استفاده از قیود منفی مانند «هرگز» بهره می‌برد و براساس آن میان جملات مثبت و منفی تمایز می‌گذارد و به این ترتیب امکانات نفی را در زبان فارسی بررسی می‌کند. در ادامه آن بخش از نظرات صدیق ضیابری که به مقاله حاضر مربوط است بیشتر توضیح داده می‌شود.

روشن و باقری (۱۳۹۲) به بررسی جملات منفی‌ای پرداخته‌اند که با صورت مثبت‌شان هم‌ترازی ندارند. مظفری (۱۳۹۶) با توجه به آرای میستامو (۲۰۰۵ و ۲۰۰۷) و براساس رویکردی رده-نقشی به بررسی مفهوم نفی در زبان فارسی پرداخته‌است و بیان می‌دارد که «در زبان فارسی روش معمول و رایج نفی، نوع متقارن می‌باشد».

رضایی و آزادمنش (۱۳۹۷) براساس فضای مفهومی باند (۲۰۰۹) که به نقشه مفهومی مقوله نفی می‌پردازد، برای بیان مقوله نفی، سه راهبرد شامل نفی ساختوازی «ند-»، ساختار هم‌پایه «نه ... نه» و تکواژ آزاد «نه» یا «خیر» را معرفی می‌کنند.

میرزائی (۱۴۰۰) به بررسی رابطه قطبیت و وجهیت‌بندی در زبان فارسی پرداخته و در هر یک از امکانات وجهیت گزاره‌ای<sup>۱</sup> و وجهیت رویدادی<sup>۲</sup> وضعیت نفی و اثبات را بررسی کرده‌است.

## ۱-۲- مبانی نظری

پاین (۱۹۸۵) با نگاهی رده‌شناختی، به مفهوم نفی می‌پردازد و با استناد به کلیما (۱۹۶۴) مفهوم نفی را به دو گروه تقسیم می‌کند: الف- نفی جمله‌ای و ب- نفی سازه‌ای<sup>۱</sup>. جمله (۱)، نمونه‌ای از نفی جمله‌ای و جمله (۲) نمونه‌ای از نفی سازه‌ای است.

1. propositional modality  
2. event modality

۱. علی راحت نیست.

۲. علی ناراحت است.

پایین در معادل‌گزینی، به جای نفی سازه‌ای از نفی غیرجمله‌ای استفاده می‌کند و برای

تشخیص نفی جمله‌ای، با استناد به کلیما (۱۹۶۴)، سه آزمون به شرح زیر معرفی می‌کند:

۱- قطبیت پرسش ضمیمه<sup>۲</sup> برای جملاتی که نفی جمله‌ای دارند مثبت است.

۲- جملات منفی، ضمیمه افزایشی neither را مجاز می‌دانند و جملات مثبت ضمیمه so را.

۳- جمله‌ای که نفی جمله‌ای دارد را می‌توان با عبارت not even ادامه داد.

صدیق‌ضیابری (۱۳۸۸: ۲۵۴-۲۶۱) در کنار این آزمون‌ها، دو آزمون گیون را هم مطرح

می‌کند. او پس از آزمون آنها در داده‌های زبان فارسی بیان می‌کند که در زبان فارسی تنها

دو آزمون می‌تواند برای تشخیص جملات منفی به کار رود. آزمون اول همان آزمون نخست

پایین، یعنی استفاده از پرسش ضمیمه است. در آزمون دوم مطرح می‌شود که «هیچ» و

ترکیبات آن، عبارت «به عمرم» و قید «هرگز» عناصر زبانی هستند که در جملات مثبت

امکان حضور ندارند و می‌توانند ملاکی برای منفی بودن جمله باشند.

در تقسیم‌بندی پایین، نفی جمله‌ای شامل پنج زیربخش است: ۱- نفی معیار<sup>۳</sup>، ۲- نفی با

کمی‌نمای<sup>۴</sup> منفی‌شده، ۳- نفی با کمی‌نمای ذاتا منفی، ۴- نفی با قید منفی‌شده، ۵- نفی با

قید ذاتا منفی.

نفی معیار به عنوان نفی جمله‌ای، بند اصلی<sup>۵</sup> را منفی می‌کند و خود، چهار زیرگروه را شامل

می‌شود: الف- فعل منفی<sup>۶</sup>، ب- ادات منفی<sup>۷</sup>، پ- نفی ساخت‌واژی، ت- اسم منفی<sup>۸</sup>. در نفی با

«فعل منفی»، دو حالت مطرح می‌شود: یا فعل اصلی به لحاظ معنایی منفی است و یا فعل

وجهی، مفهوم نفی را منتقل می‌کند. منظور از ادات منفی، علامت‌های مانند not در انگلیسی،

nicht در آلمانی و «نه»، در زبان فارسی است. نفی ساخت‌واژی مربوط به زبان‌هایی است که

برای علامت نفی، وندی را به پایه اضافه می‌کنند، مانند زبان فارسی که از پیشوند na- استفاده

می‌کند. در حالت چهارم که بسیار کم روی می‌دهد، مقوله سازه منفی ساز، اسم است.

1. constituent

2. tag question

3. standard

4. quantifier

5. main clause

6. negative verb

7. negative particle

8. negative noun

نفی غیرجمله‌ای در نگاه پایین دو زیربخش دارد: ۱- نفی در بند پیرو، ۲- نفی اشتقاقی. در نفی در بند پیرو، به زبان‌هایی اشاره می‌شود که بازنمایی نفی را در دو بند پایه و پیرو به شکل متفاوت صورت‌بندی می‌کنند و منظور از نفی اشتقاقی، همان نفی سازه‌ای است، که در آن سازه‌های جمله، منفی می‌شوند. مثلاً صفت «راحت» به «ناراحت» تبدیل می‌شود و یا اسم «زهر» به «پادزهر» بدل می‌گردد.



جدول ۱- تقسیم‌بندی نفی در نگاه پایین (۱۹۸۵)

به این ترتیب، با توجه به مطالعات رده‌شناختی می‌توان گفت که به‌طور کلی مفهوم نفی در زبان‌های مختلف، سه شیوه بازنمایی متفاوت دارد: ۱- وندافزایی، ۲- تحلیلی، ۳- واژگانی.

در وندافزایی دو امکان وجود دارد:

- ۱- وند منفی‌ساز به فعل اضافه شود و آن را منفی کند.
- ۲- وند اشتقاقی دارای مفهوم منفی، به اسم و صفت اضافه شود.

در منفی‌سازی تحلیلی هم دو امکان مطرح می‌شود:

- ۱- از فعل برای القای مفهوم نفی استفاده شود.
- ۲- از قیدها و کمی‌نماها برای منفی‌سازی استفاده شود.

در حالت سوم، یعنی نفی واژگانی، فعل جمله به لحاظ واژگانی، مفهوم قطبیت منفی را نشان می‌دهد. فعل منفی خود می‌تواند برای منفی کردن افعال دیگر هم استفاده شود که در آن صورت می‌توان گفت منفی‌سازی از نوع تحلیلی است.

در پژوهش‌ها بر مفهوم نهی در زبان فارسی، به‌خصوص بر مبنای دیدگاه پایین، عنوان می‌شود که برخی راهکارهای منفی‌سازی در زبان فارسی امکان وقوع ندارند. برای مثال منصوری (۱۳۸۳)، باقری (۱۳۸۵) و صدیق ضیابری (۱۳۸۸) اظهار می‌دارند که استفاده از فعل منفی و فعل کمکی منفی‌ساز در فارسی ناممکن است. همچنین در خصوص استفاده از اسم، قیود و کمی‌نماهای منفی‌ساز اختلاف نظر دارند.

## ۲- نهی جمله‌ای در زبان فارسی

طبق تعریف پایین، نهی جمله‌ای با آزمون‌های مطرح‌شده کلیما سازگاری دارد. بررسی‌های پیکره‌بنیاد نشان می‌دهد که در بازنمایی مفهوم نهی در زبان فارسی، از هر سه امکان «وندافزایی»، «تحلیلی» و «نهی واژگانی» استفاده می‌شود. در ادامه هر یک از این امکانات با ارائه نمونه‌های مناسب از زبان فارسی معرفی می‌شود.

### ۲-۱- نهی معیار

نهی معیار مجموعه راهبردهایی است که زبان‌های مختلف برای منفی کردن جملات بسیط از آن استفاده می‌کنند. در این نوع منفی‌سازی سیطره عملکرد نهی بر روی بند است. زیربخش‌های نهی معیار شامل ۱- نهی ساخت‌واژی، ۲- فعل منفی، که خود در دو بخش فعل‌های دسته بالا<sup>۱</sup> و فعل کمکی تقسیم می‌شود، ۳- ادات منفی، ۴- اسم منفی است. در زبان فارسی اگرچه راهکار غالب منفی‌سازی، استفاده از نهی ساخت‌واژی یا وندافزایی است اما به نظر می‌رسد که از راهبردهای دیگر هم برای منفی‌سازی استفاده می‌شود. در ادامه این بخش، امکانات منفی‌سازی معیار در زبان فارسی بررسی می‌شود.

### ۲-۱-۱- نهی ساخت‌واژی / وندافزای

در زبان فارسی، بازنمایی مفهوم نهی، با افزودن پیشوند  $na-$  به فعل محقق می‌شود. در صورتی که علاوه بر وند منفی‌ساز، وندهای دیگری هم حضور داشته باشند، ترتیب وندها تابع قوانینی خواهد بود. میرزائی (۱۳۹۷) در بررسی عملگر سوگیری<sup>۲</sup> در زبان فارسی، بر مبنای رویکرد نقش و ارجاع ون‌ولین (۲۰۰۷) بیان می‌دارد که چنانچه بازنمایی عملگرهای مختلف بر روی فعل با وندافزایی صورت بگیرد، ترتیب قرارگیری عملگرها نسبت به هسته<sup>۳</sup>، از نزدیک‌ترین به دورترین به صورت زیر خواهد بود:

1. higher negative verbs
2. directional
3. nucleus

عملگرهای هسته < عملگرهای بخش اصلی<sup>۱</sup> < عملگرهای بند

بر همین اساس، در میان عملگرهای هسته، یعنی «نفی»، «سوگیری» و «نمود»، ترتیب قرارگیری وندها نسبت به هسته به ترتیب زیر است:

نمود < نفی < سوگیری

یعنی در فعلی مانند «برنمی‌گردد»، نزدیک‌ترین عملگر به فعل، نمود است، پس از آن وند منفی‌ساز و در بیرونی‌ترین بخش فعل، وند سوگیری قرار می‌گیرد. اما در ادبیات فارسی قدیم، در صورت حضور پیشوند «می»، معمولاً وند منفی‌ساز، به فعل نزدیک‌تر است، مانند فعل «می‌نرود» در مثال (۳) (خانلری، ۱۳۹۲: ۱۲۷):

۳. مرغ مألوف که با خانه‌خدا انس گرفت      گر به سنگش بزنی جای دگر می‌نرود.

علاوه‌بر مفاهیم نمود، نفی و سوگیری، عملگر نیروی منظوری<sup>۲</sup>، که با وجه فعل در ارتباط است هم با وندافزایی بازنمایی می‌شود. در این حالت اگر فعل، امری یا التزامی باشد، پیشوند «-ب» به فعل اضافه می‌شود. با منفی شدن فعل، پیشوند «-ب» حذف می‌شود و پیشوند منفی‌ساز جای آن را می‌گیرد. خانلری (۱۳۹۲: ۱۲۷) در این مورد هم به گونه‌های قدیمی‌تری اشاره می‌کند که در آنها هر دو وند منفی‌ساز و وجه فعل حضور دارند و در این شرایط، وند منفی‌ساز به فعل نزدیک‌تر است، مانند «بنماند» در مثال (۴).

۴. غم مخور ای دوست که این جهان بنماند      وانچه تو می‌بینی آن چنان بنماند

وی در این مورد تصریح می‌کند که چنین کاربردی، امروز مرسوم نیست.

به این ترتیب اگر بازنمایی مفاهیم دستوری فعل به صورت وندافزایی باشد، وند منفی‌ساز در کنار دیگر وندها با ترتیبی مشخص، به فعل اصلی متصل می‌شود. اما اگر بازنمایی مفاهیم دستوری فعل با استفاده از فعل‌های کمکی صورت بگیرد، برای وند منفی‌ساز دو وضعیت پیش می‌آید. در صورت حضور فعل کمکی زمان آینده، یعنی «خواستن» یا فعل کمکی مجهول‌ساز یعنی «شدن»، وند منفی‌ساز به جای فعل اصلی، به فعل کمکی متصل می‌شود. در این حالت، فعل اصلی به صورت مثبت ظاهر می‌شود، مانند «نخواهم فروخت» و «دیده نشد». اگر فعل کمکی زمان گذشته یعنی «بودن»، یا فعل کمکی نشانگر وجه و نمود، یعنی «باش» در جمله حاضر باشد، پیشوند منفی‌ساز به فعل اصلی متصل می‌شود، مانند «نرفته بود» و «نرفته باشد». در صورت حضور فعل کمکی بیانگر مفهوم نمود یعنی «داشتن»، در زبان فارسی معیار،

1. core

2. illocutionary force



فعل همواره صورت مثبت دارد و از همین رو، پیشوند منفی‌ساز به هیچ‌کدام از فعل‌های اصلی و کمکی متصل نمی‌شود.

فعل‌های کمکی می‌توانند به صورت دوتایی یا چندتایی با هم بیایند. در این صورت پیشوند منفی‌ساز تنها به یکی از آنها متصل می‌شود. اگر فعل‌های کمکی «باش» و «بودن» همراه شوند، چون هر دو، پیشوند منفی را نمی‌پذیرند، وند منفی‌ساز به فعل اصلی متصل می‌شود، مانند «ترفته بوده باشد». اگر فعل‌های کمکی «خواستن» و «شدن» همراه شوند، وند منفی‌ساز به «خواستن» اضافه می‌شود و فعل کمکی «شدن» و فعل اصلی، به صورت مثبت ظاهر می‌شوند، مانند «دیده نخواهد شد». اگر هر یک از فعل‌های کمکی «باش» و «بودن» یا هر دوی آنها با فعل کمکی «شدن» همراه شوند، فعل «شدن» منفی می‌شود و فعل‌های کمکی دیگر و فعل اصلی مثبت خواهند بود، مانند «دیده نشده باشد»، «دیده نشده بود» و «دیده نشده بوده باشد».

تفاوت رفتاری وند منفی‌ساز در ارتباط با فعل‌های کمکی با توجه به سیطره عملکرد فعل‌های کمکی قابل تبیین است که به دلیل طولانی شدن بحث، بدان نمی‌پردازیم.

#### ۲-۱-۲- فعل منفی

گاهی اوقات برای منفی کردن بند از فعل استفاده می‌شود. در دسته‌بندی پایین (۱۹۸۵: ۲۰۷) اگر فعل منفی، همانند فعل‌های اصلی متمم بپذیرد و ویژگی‌های دستوری‌ای مانند زمان، نمود، وجه و مانند آن را هم بازنمایی کند، فعل منفی دسته‌بالاست، ولی اگر ماهیت فعل کمکی داشته باشد و درحالی‌که از معنای اصلی خود تهی شده‌است، ویژگی‌های دستوری فعل را همراه با مفهوم منفی بازنمایی کند، فعل کمکی منفی‌ساز خواهد بود. پایین اظهار می‌دارد که فعل‌های منفی معمولاً با یک فعل واژگانی اصلی همراه می‌شوند. منصوری (۱۳۸۳)، باقری (۱۳۸۵) و صدیق ضیابری (۱۳۸۸) اظهار می‌دارند که استفاده از فعل منفی و فعل کمکی منفی‌ساز در فارسی ناممکن است. در این نوشتار و در ادامه با اعتقاد بر اینکه استفاده از فعل منفی (طبق دسته‌بندی پایین) در زبان فارسی نیز قابل بحث و بررسی است، در دو بخش فعل منفی دسته‌بالا و فعل کمکی منفی‌ساز، نمونه‌هایی از زبان فارسی ذکر می‌شود.

#### ۲-۱-۲-۱- فعل منفی دسته‌بالا

در زبان فارسی افعالی چون «خودداری کردن»، «امتناع کردن»، «اجتناب کردن»، «دوری کردن»، «پرهیز کردن»، «دست کشیدن» و مانند آن، معنای منفی را به جمله القا می‌کنند.

این گروه از افعال همانند فعل اصلی متمم می‌پذیرند و ویژگی‌های دستوری فعل شامل زمان، نمود، وجه، جهت و شخص و شمار را هم بازنمایی می‌کنند. متمم این گروه از افعال، محمول اصلی جمله است. در واقع بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که وقتی این فعل‌ها در جمله ظاهر می‌شوند، محمول جمله، به شکل محمول اسمی، تغییر وضعیت می‌دهد و به‌عنوان متمم حرف اضافه‌ای «از» در جمله ایفای نقش می‌کند. برای بررسی این گروه از فعل‌ها می‌توان به مثال‌های (۵) و (۶) اشاره کرد.

۵. الف- از مصرف نوشابه‌های انرژی‌زا در هنگام ورزش خودداری کنید.

ب- در هنگام ورزش نوشابه‌های انرژی‌زا مصرف نکنید.

بخش الف و ب در مثال (۵)، به لحاظ معنای گزاره‌ای به هم شبیه‌اند. در هردوی آنها محمول اصلی جمله، «مصرف» است، «نوشابه‌های انرژی‌زا»، موضوع آن و «در هنگام ورزش» افزوده‌است. در بخش الف، محمول جمله یعنی «مصرف» به‌عنوان متمم حرف اضافه «از» ظاهر شده و فعل «خودداری کنید»، در هیأت فعل اصلی، ویژگی‌های زمان، نمود، وجه، قطبیت و جهت را بازنمایی می‌کند.

در بخش ب، محمول اصلی جمله، یعنی «مصرف» بخشی از فعل جمله است. تفاوت این جمله با جمله قبلی در این است که در اینجا، فعل جمله با افزودن پیشوند منفی‌ساز -na منفی می‌شود.

۶. الف- بیشتر آقایان از دست کردن حلقه ازدواج اجتناب می‌کنند.

ب- بیشتر آقایان حلقه ازدواج دست نمی‌کنند.

همین وضعیت در مثال (۶) هم دیده می‌شود. در بخش الف، «دست کردن»، محمول جمله است، «آقایان» و «حلقه ازدواج» موضوع‌های آن و «اجتناب می‌کنند»، بخش دستوری فعل جمله است که کارکرد اصلی آن، القای مفهوم نفی است، اما هم‌زمان، مفاهیم زمان، نمود، وجه و جهت را هم بازنمایی می‌کند. در بخش ب، محمول‌ها و موضوع‌ها همانند بخش الف است. تفاوت جمله ب با جمله الف این است که ساخت رویدادی جمله و محمول جمله، با هم و در کنار هم قرار گرفته‌اند.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در جملات حاوی افعال منفی، محمول اصلی جمله همواره به صورت اسم گزاره‌ای ظاهر می‌شود. به‌عنوان نمونه‌ای از محمول‌های اسمی به‌کاررفته در پیکره مورد بررسی این پژوهش می‌توان به محمول‌های اسمی «خرید»،

«مصرف»، «پرداخت»، «خوردن»، «ساختن»، «پوشیدن»، «انجام»، «آشامیدن»، «استفاده»، «عضویت»، «شرکت»، «ارائه» و «واگذاری» اشاره کرد.

نمونه دیگری از فعل‌های منفی را می‌توان در مثال‌های (۷) تا (۱۱) مشاهده کرد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، فعل‌های منفی علاوه بر مفهوم قطبیت، معناهای دستوری دیگر را هم منتقل می‌کنند. برای مثال در جمله (۷)، مفهوم سببیت هم روی فعل «پرهیز کردن» و با استفاده از فعل «دادن» بازنمایی شده است. در مثال (۸)، وجه فعل، امری است، در مثال (۹)، فعل منفی، با استفاده از پیشوند «می»، نمود استمرار را بازنمایی می‌کند. در مثال (۱۰) تصریف «خواستن» و در مثال (۷)، فعل کمکی «بودن» در کنار فعل منفی، مفاهیم زمان و نمود را بازنمایی کرده است.

۷. طبیب مردی را از پرخوری پرهیز داده بود.
۸. از استفاده از این کلمات خصوصا در بخش آغازین مقاله اجتناب کنید.
۹. من از حضور در مکان‌های پرسروصدا به‌ویژه رستوران‌ها اجتناب می‌کنم.
۱۰. باشگاه رئال مادرید در صورت موفقیت در جذب نیمار، از ادامه تلاش برای جذب پوگبا، ستاره فرانسوی منچستر یونایتد دست خواهد کشید.
۱۱. بانک مرکزی چین از حمایت بازار مسکن دست کشید.

چون فعل منفی ویژگی‌های فعل اصلی را دارد، می‌تواند مانند هر فعل دیگری با پیشوند منفی‌ساز، منفی شود. در چنین حالتی، مفهوم منفی فعل منفی، خنثی می‌شود. دو مثال (۱۲) و (۱۳) نمونه‌ای از این کاربرد هستند. در مثال (۱۲)، با اضافه شدن وند منفی‌ساز به فعل منفی، صورت «دست نمی‌کشم» به دست آمده و این معنا را منتقل می‌کند که محمول اصلی جمله یعنی «تلاش» در وضعیت اثبات قرار دارد و در پیوستار انجام شدن و نشدن، به انجام شدن متمایل است. به این ترتیب معنی جمله (۱۲) الف، می‌تواند به صورت (۱۲) ب یا (۱۲) پ بازنمایی شود. یعنی «دست از تلاش نمی‌کشم» به معنی این است که بگوییم «تلاش می‌کنم» یا «به تلاش ادامه می‌دهم». نکته این است که ظاهراً فعل «دست کشیدن»، به نوعی مفهوم نمود را به همراه دارد، چون در بازنویسی (۱۲) الف به (۱۲) ب یا پ، لازم است تا این مفهوم به یک شکلی منتقل شود؛ خواه با حضور قیدی مانند «همچنان» یا با استفاده از صورت فعلی «به تلاش ادامه دادن» که در مورد اخیر، مجدداً محمول اصلی جمله به صورت اسمی درآمده و «ادامه دادن» ساخت رویدادی فعل را بازنمایی کرده است. از آنجاکه بازنمایی مفهوم نمود به شکل تحلیلی، پژوهش و بحث دیگری را می‌طلبد، از ادامه بحث در این خصوص پرهیز می‌شود.

۱۲. الف- برای رسیدن به آینده‌ای روشن از تلاش دست نمی‌کشم.

ب- ... همچنان تلاش می‌کنم.

پ- ... همچنان به تلاش ادامه می‌دهم.

نکته دیگر این است که فعل‌های منفی، علاوه بر اینکه می‌توانند فعل قطبیت‌نما باشند، ممکن است به‌عنوان تنها فعل حاضر در جمله، کارکرد فعل اصلی را داشته باشند، مانند مثال‌های (۱۳) تا (۱۶). نگاهی گذرا به این جملات نشان می‌دهد که به جز فعل‌های منفی، محمول یا فعل دیگری در جمله وجود ندارد. در مثال (۱۳) از «متن طولانی»، در مثال (۱۴)، از «کلمات تکلف‌آمیز و تملق‌آمیز»، در مثال (۱۵)، از «دندان‌پزشکی» و در مثال (۱۶)، از «غذای حیوانی» اجتناب می‌شود.

۱۳. توصیه می‌شود بین قسمت‌های مختلف فاصله‌گذاری شده و از متن‌های طولانی اجتناب شود.

۱۴. هنگام نوشتن مقالات از کلمات تکلف‌آمیز و تملق‌آمیز اجتناب کنید.

۱۵. تعداد زیادی از بزرگسالان به دلیل یک ترس عمیق از دوران کودکی یا نوجوانی از دندانپزشکی اجتناب می‌کنند.

۱۶. اگر شما از غذاهای حیوانی اجتناب می‌کنید، این سایت گزینه‌هایی را به شما پیشنهاد می‌کند.

به این ترتیب با توجه به آنچه در ظاهر جملات دیده می‌شود باید گفت که متمم حرف اضافه «از» در جملات (۱۳) تا (۱۶)، اسم گزاره‌ای نیست و نمی‌تواند همانند مثال‌های پیشین، محمول جمله باشد، اما با کمی دقت در این جملات، متوجه بخش محذوفی از جمله می‌شویم که به آسانی آن را می‌توان بازیابی کرد. در مثال (۱۳)، محمول «ایجاد» حذف شده و در واقعیت معنایی این جمله توصیه می‌شود که از ایجاد متن‌های طولانی اجتناب شود، در مثال (۱۴)، محمول «به کاربردن» محذوف است و در واقع در این جمله گفته شده که از به کار بردن کلمات تکلف‌آمیز اجتناب کنید. در مثال (۱۵)، محمول «رفتن» محذوف است و در جمله گفته می‌شود که برخی بزرگسالان از رفتن به دندانپزشکی اجتناب می‌کنند و در نهایت در مثال (۱۶)، می‌توان محمول «مصرف» را بازیابی کرد و جمله را به صورت «اگر شما از مصرف غذاهای حیوانی اجتناب می‌کنید...» بازنویسی کرد. به این ترتیب، در واقع در مثال‌های (۱۳) تا (۱۶)، اسم‌های گزاره‌ای «ایجاد»، «به کار بردن»، «رفتن» و «مصرف»، محمول‌های اصلی هستند که از جمله حذف شده‌اند و بر همین اساس فعل «اجتناب کردن» جای آن را گرفته‌است.

در پایان این بخش لازم است در خصوص امکان منفی شدن فعل‌های منفی نکاتی مطرح شود. جزء فعلی فعل‌های منفی، یعنی «کردن» در «خودداری کردن»، «امتناع کردن»، «اجتناب کردن»، «دوری کردن»، «پرهیز کردن»، با دریافت پیشوند منفی‌ساز می‌تواند منفی شود (مثال ۱۷ ب). رضایی و آزادمنش (۱۳۹۷: ۶۵) با استناد به این مسأله، - و البته در بحث اسم منفی - بیان می‌کنند که چنین جملاتی را نمی‌توان منفی دانست. از طرف دیگر جملات (۵) تا (۱۶) براساس آزمون‌های صدیق ضیابری منفی نیستند. برای مثال پرسش ضمیمه جملۀ (۹) که برای آسانی در پایین و در مثال (۱۷) تکرار شده منفی است (۱۷ پ). براساس آزمون پرسش ضمیمه، جملات منفی، باید پرسش ضمیمه مثبت داشته باشند.

۱۷. الف- من از حضور در مکان‌های پرسروصدا به‌ویژه رستوران‌ها اجتناب می‌کنم.

ب- من از حضور در مکان‌های پرسروصدا به‌ویژه رستوران‌ها اجتناب نمی‌کنم.

پ- نمی‌کنم؟

با توجه به آزمون‌های ساخت منفی و امکان منفی شدن فعل منفی باید گفت که در زبان فارسی، فعل منفی‌ساز دسته‌بالا وجود ندارد. اما کمی دقت در جملات (۱۳) تا (۱۶) نشان می‌دهد که وقتی فعل‌های منفی دست‌بالا در جمله حضور دارند، محمول جمله، به لحاظ معنایی منفی می‌شود. برای مثال در جملۀ (۱۷) الف، محمول جمله «حضور» است؛ چون ساخت موضوعی حاضر در جمله، یعنی «من» و «در مکان‌های پرسروصدا» را فراخوانده‌است. قطبیت محمول جمله (۱۷) الف، یعنی «حضور» منفی است. این معنای منفی را فعل «اجتناب می‌کنند» القا می‌کند، درواقع «اجتناب کردن» (در مثال‌های ۶، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷) ویژگی‌های دستوری محمول جمله را بازنمایی کرده‌است که یکی از این ویژگی‌ها، مفهوم قطبیت است. در اینجا شاید این ایده مطرح شود که فعل اصلی در جملات یادشده همان «اجتناب کردن» است که در پاسخ باید گفت اگر فعل و محمول اصلی جمله‌های یادشده «اجتناب کردن» باشد تمامی این جمله‌ها باید به لحاظ ساخت موضوعی و معنای گزاره‌ای یکسان باشند، که این‌طور نیست. درست است که براساس الگوی رایج منفی‌سازی در زبان فارسی می‌توان «اجتناب کرد» را به «اجتناب نکرد» تبدیل کرد اما با منفی شدن «اجتناب کردن» محمول جمله، معنی مثبت پیدا می‌کند، یعنی در مثال (۱۷) ب، «حضور» مثبت است. نکته دیگر در خصوص آزمون‌های منفی‌سازی است. دلیل اینکه جملات حاوی فعل‌های منفی دسته‌بالا به آزمون‌های ساخت منفی، پاسخ مثبت نمی‌دهند را باید در سیطره عملکرد

سازه منفی‌ساز دید. از طرفی وجود جملات این‌چنینی این ایده را مطرح می‌کند که شاید باید در درستی آزمون‌های منفی تردید کرد.

### ۲-۲-۱-۲- فعل کمکی منفی‌ساز

پاین (۱۹۸۵: ۲۱۲) در معرفی افعال کمکی منفی‌ساز در زبان انگلیسی به صورت منفی افعال to be اشاره می‌کند و در جمله John isn't coming، فعل "isn't" را فعل کمکی منفی‌ساز در نظر می‌گیرد. او علاوه بر این به زبان‌هایی اشاره می‌کند که فعل کمکی‌ای دارند که مخصوص منفی‌سازی است. او به‌عنوان یک مشاهده کلی اظهار می‌دارد که در حضور فعل کمکی منفی‌ساز، فعل واژگانی جمله معمولاً به صورت صفت مفعولی تغییر وضعیت می‌دهد و ویژگی‌های دستوری فعل چون زمان، نمود، وجه و مانند آن را فعل کمکی بازنمایی می‌کند. او همچنین بیان می‌دارد که توالی فعل کمکی منفی‌ساز و فعل اصلی به گونه‌ای است که غالباً فعل کمکی پیش از فعل اصلی قرار بگیرد.

نجفی (۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۲) به صورت‌های فعلی‌ای مانند «نکردن» و «نداشتن» در زبان فارسی اشاره می‌کند و عنوان می‌دارد که این دو فعل تنها صورت منفی دارند و نمی‌توان آنها را به شکل مثبت درآورد. او به‌عنوان نمونه‌ای از کاربرد این دو فعل به دو جمله «نکردم ... هنری پیدا کنم» و «از غصه خواب و خوراک نداشت» اشاره می‌کند (به نقل از طبیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۰).

طبیب‌زاده (۱۳۹۱: ۸۰) در بخشی با عنوان «افعالی به صیغه منفی» به فعل‌هایی اشاره می‌کند که به گفته او «همواره در صیغه منفی به کار می‌روند و اگر صیغه منفی آنها مبدل به صیغه مثبت شود، جمله بی‌معنا می‌شود یا معنای اصلی خود را از دست می‌دهد». او این فعل‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند. دسته اول شامل یکی از فعل‌های «نفهمیدن»، «نکردن» یا «نگفتن» است که با بند متممی همراه می‌شود مانند «نفهمیدم قاب از دستم افتاد توی تنور!»، «نکرد کمی پول با خودش بیاورد!» و «نگفتی ممکن است مادرش سربرسد!». دسته دوم شامل فعل‌ها یا عبارات‌های اصطلاحی است که برای آن، دو نمونه را مثال می‌زند: ۱- «خواب و خوراک نداشتن» در «از غصه خواب و خوراک نداشت»، ۲- «چیزی کسی را نکشته» در «پانزده ریال کسی را نکشته».

میرزائی (۱۳۹۳: ۶۳ و ۶۷) در بررسی نحوه بازنمایی تحلیلی ویژگی‌های دستوری فعل، فعل «نکرد» را به‌عنوان فعل کمکی منفی‌ساز معرفی می‌کند. نگارنده همسو با نظر میرزائی (۱۳۹۳)، بر این باور است که فعل «نکرد» را می‌توان به‌عنوان فعل کمکی منفی‌ساز در نظر

گرفت. «نکردن» برای زمان‌های گذشته و حال، تصریف می‌شود و فعل اصلی به صورت فعل التزامی، بدون آنکه مفهوم زمان را بازنمایی کند در کنار فعل کمکی قرار می‌گیرد.

۱۸. نکرد برای شرکت در این مصاحبه خودش را آماده کنه.

۱۹. نمی‌کنه یه کم به سر و وضع زندگی‌ش بیشتر برسه.

درباره فعل کمکی منفی‌ساز «نکردن»، چند نکته را باید در نظر گرفت: اول آنکه این صورت فعلی، شکل مثبت ندارد و به همین شکل، برای منفی کردن هر فعلی در زبان فارسی می‌تواند استفاده شود؛ دوم آنکه این فعل، بسیاری از صورت‌های تصریفی مربوط به فعل را دارا است؛ سوم آنکه جملات حاوی فعل کمکی منفی‌ساز به آزمون‌های نفی مورد نظر صدیق ضیابری پاسخ مثبت می‌دهند؛ و نهایتاً اینکه فعل جمله‌هایی که فعل کمکی منفی‌ساز در آنها حضور دارد التزامی است. دلیل التزامی بودن فعل اصلی را می‌توان در ارتباط با مفهوم وجه توجیه کرد. در بحث وجهیت، احتمال درستی گزاره یا امکان اجرایی شدن پیشنهاد، مفهومی مدرج و پیوستاری است و نفی و اثبات در دو سر این پیوستار قرار می‌گیرند. وقتی فعل‌های اصلی، با افعال وجهی‌ای چون «بایستن»، «توانستن»، «شدن» و مانند آن همراه می‌شوند، وجه التزامی دارند. فعل «نکردن» به‌عنوان فعل کمکی منفی‌ساز، در انتهای پیوستار قرار دارد و احتمال درستی گزاره یا امکان اجرایی شدن پیشنهاد را منفی می‌کند. با توجه به شباهت رفتاری «نکردن» با افعال وجهی، نحوه تأثیرگذاری‌اش بر جمله و فعل اصلی قابل توجیه خواهد بود.

## ۲-۱-۳- ادات نفی

در برخی زبان‌ها، برای منفی کردن فعل جمله، از ادات نفی استفاده می‌شود، برای مثال در زبان انگلیسی not، در زبان اسپانیایی no و در زبان آلمانی nicht به‌عنوان ادات منفی‌ساز در جمله می‌آیند. الگوی رایج منفی‌سازی در زبان فارسی پیشوندافزایی است اما بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در این زبان هم امکان منفی کردن جملات با استفاده از ادات نفی «نه» وجود دارد. این نوع منفی‌سازی در زبان فارسی الگوی رایجی نیست و به سبک و گونه‌های خاصی از زبان متعلق است. بیشترین کاربرد «نه» مربوط به سبک ادبی است که برای نمونه می‌توان به مثال‌ها (۲۰) تا (۲۲) اشاره کرد:

- |   |   |
|---|---|
| ۲۰. نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند        | نه هرکه آینه سازد سکندری داند           |
| ۲۱. من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم    | محتسب داند که من این کارها کمتر کنم     |
| ۲۲. نه هر کلکی شکر دارد نه هر زیری زبر دارد | نه هر چشمی نظر دارد نه هر بحری گهر دارد |

در گونهٔ محاوره‌ای هم از «نه» برای منفی‌سازی استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از این کاربرد در مثال‌های (۲۳) و (۲۴) دیده می‌شود.

۲۳. نه بری دو سال دیگه برگردی!

۲۴. نه خیلی کارش درست انجام داده بود، حالا اومده بقیه کار هم تحویل بگیره.

بررسی داده‌های نشان می‌دهد که در گونهٔ نوشتاری رسمی هم نمونه‌هایی از حضور «نه» به‌عنوان ادات منفی‌ساز دیده می‌شود اما واقعیت این است که کاربرد محاوره‌ای آن، رواج بیشتری دارد. جملهٔ (۲۵) نمونه‌ای از این کاربرد است.

۲۵. آیا این نه بدان معنا است که رابطهٔ هنر با طبیعت انکارناشدنی است؟

کارکرد «نه» به‌عنوان ادات منفی‌ساز، در جملات مختلف متفاوت است. برای مثال سیطرهٔ عملکرد «نه» در دو مثال (۲۳) و (۲۵) متفاوت است؛ یکی کل جمله را منفی می‌کند و سیطرهٔ عملکرد دیگری تنها بر روی فعل است. از آنجاکه این موضوع، بررسی جداگانه‌ای می‌طلبد در اینجا از ادامه بحث می‌پرهیزیم.

#### ۲-۱-۴- اسم منفی

پایین در بررسی رده‌شناختی به زبان‌هایی اشاره می‌کند که برای منفی کردن جمله، از منفی‌سازهایی با مقولهٔ اسمی استفاده می‌کنند. او این پدیده را بسیار نادر می‌داند و برای نمونه به زبان ایونکی<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که از ācin برای منفی کردن استفاده می‌کند. البته به‌جز این مورد، به نظر می‌رسد رویهٔ زبان‌هایی مانند زبان آلمانی که با منفی کردن حرف تعریف اسم‌ها، جمله را منفی می‌کنند هم می‌تواند به‌عنوان راهکار منفی‌سازی با اسم منفی معرفی شود.

در زبان فارسی، منصوری (۱۳۸۳) در بحث اسم‌های منفی به مواردی مانند «عدم استقبال» در جملهٔ (۲۶) اشاره می‌کند.

۲۶. پیشنهاد رئیس‌جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبرو شد.

۲۷. نمایندگان از پیشنهاد رئیس‌جمهور استقبال نکردند.

۲۸. پیشنهاد رئیس‌جمهور با عدم استقبال نمایندگان روبرو نشد.

به نظر می‌رسد استدلال منصوری بر این استوار است که جملهٔ (۲۶) را می‌توان به صورت جملهٔ (۲۷) بازنویسی کرد. رضایی و آزادمنش (۱۳۹۷: ۶۵) این نوع منفی‌سازی را به رسمیت

1. Evnki



نمی‌شناسند. آنها بیان می‌دارند که جمله (۲۶) را می‌توان با استفاده از پیشوند منفی‌ساز دوباره منفی کرد (جمله ۲۷) و این به آن معناست که برای منفی شدن گزاره، باید فعل را منفی کرد. آن‌طور که مشخص است دو جمله (۲۶) و (۲۷) به لحاظ معنایی همسان هستند اما به لحاظ ساختاری دو جمله متفاوت‌اند. همان‌طور که در بخش ۲-۱-۲-۱ هم بحث شود، می‌توان منفی بودن این ساخت‌ها را توجیه کرد.

## ۲-۲- نقش کمی‌نماها / سورها در منفی‌سازی

شقاقی (۱۳۸۱) کمی‌نماهای زبان فارسی را در دو گروه کمی‌نماهای کلی و وجودی بررسی می‌کند. او بیان می‌دارد که «کمی‌نمای کلی برای نشان دادن دلالت موضوع به کلیه موارد یا اعضای یک نوع یا گروه به کار می‌رود» و شامل «تمام»، «همه»، «کلیه»، «عموم»، «هیچ»، «هر» و «کل» می‌شود. دسته دوم کمی‌نماها، یعنی کمی‌نمای وجودی، برای اشاره به کمیتی موجود و حقیقی در جهان واقع استفاده می‌شوند و در زبان فارسی شامل «بعضی»، «برخی»، «بسیاری»، «قدری»، «کمی» و «اندکی» می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۱: ۶۳۰-۶۳۱). شقاقی همچنین در بررسی ساختمان صرفی کمی‌نماها، آنها را به دو گروه بسیط و غیربسیط تقسیم می‌کند و از انواع غیربسیط به ترکیبات «هر» مانند «هرکدام» و «هر یک» اشاره می‌کند (همان: ۶۳۹).

در میان کمی‌نماها، «هیچ» مفهوم نفی را منتقل می‌کند. بررسی‌های داده‌بنیاد این پژوهش نشان می‌دهد که فعل در جملات خبری و امری حاوی کمی‌نمای «هیچ»، به صورت منفی صورت‌بندی می‌شوند. در این حالت «هیچ» در کنار یکی از اسم‌های حاضر در جمله قرار می‌گیرد و گروه اسمی حاصل، در یکی از نقش‌های فاعلی، مفعولی، متممی و یا افزوده‌ای ایفای نقش می‌کند. برای نمونه در مثال (۲۹) «هیچ» در کنار اسم «صدایی» قرار گرفته و گروه اسمی «هیچ صدایی» در نقش فاعل ظاهر شده‌است.

۲۹. هیچ صدایی نبود، جز چکاچک‌هایی که بر کف لگن ریتم گرفته بودند.

در برخی مواقع این امکان وجود دارد که هسته اسمی «چیز» از ترکیب اسمی «هیچ چیز» حذف شود و کمی‌نمای «هیچ» به تنهایی و به جای کل گروه، در جمله ظاهر گردد، مانند مثال (۳۰) که در آن می‌توان «هیچ چیزی» را جایگزین «هیچ» کرد.

۳۰. در این زمان مرد هیچ نگفت و ...

همان‌طور که گفته شد، کمی‌نمای «هیچ» مفهوم منفی دارد و در زبان فارسی در صورت حضور کمی‌نما و قید منفی در جمله، فعل با دریافت پیشوند منفی‌ساز منفی می‌شود. بررسی

داده‌های این پژوهش در عمده نمونه‌ها، منفی بودن فعل را تأیید می‌کند. اما مواردی هم وجود دارد که در آنها علی‌رغم وجود کمی‌نمای «هیچ» فعل جمله مثبت است. فعل جمله حاوی کمی‌نمای «هیچ» در سه حالت می‌تواند به شکل مثبت ظاهر شود:

الف- اگر پیش از گروه اسمی حاوی کمی‌نمای «هیچ»، عبارات «بی» و «بدون» قرار بگیرد؛

ب- اگر «هیچ»، خودش هسته اسمی باشد و در معنای کمی‌نما به کار نرفته باشد؛

پ- اگر جمله حاوی کمی‌نمای «هیچ» سؤالی باشد.

جملات (۳۱) تا (۳۳) نمونه‌هایی از موارد هستند.

۳۱. دارنده چک می‌تواند بدون هیچ محدودیتی از یک ریال تا یک میلیارد ریال چک بکشد.

۳۲. ما تحت تأثیر مدیران و رهبران موفق هستیم که از هیچ همه چیز ساخته‌اند و ...

۳۳. آیا هیچ تاکسی جلوی پای من ترمز خواهد کرد؟

در مثال (۳۱)، با وجود عبارت «بدون هیچ محدودیتی» فعل جمله مثبت است. در مثال (۳۲) «هیچ» هسته گروه اسمی است و در معنای «وجود نداشتن» به کار رفته است. مقایسه دو مثال (۳۰) و (۳۲) نقش متفاوت «هیچ» را روشن می‌کند. نهایتاً در مثال (۳۳)، با وجود گروه اسمی «هیچ تاکسی»، به دلیل پرسشی بودن جمله فعل مثبت است. در این مثال اگر جمله خبری بشود، فعل لزوماً باید منفی بشود.

به جز موارد (۳۰) و (۳۲)، جملات دیگری هم وجود دارند که در آنها «هیچ» می‌تواند به تنهایی در جمله ظاهر شود. در این موارد «هیچ» کارکرد قیدی دارد و در معنای «اصلاً» و «ابداً» به کار می‌رود. بر این اساس، در این جملات «هیچ» را باید جزء قیده‌های منفی‌ساز و نه کمی‌نما در نظر گرفت. جمله (۳۴) مثالی از این نمونه است. در این جمله «هیچ» را می‌توان با قیده‌های منفی‌ساز «اصلاً» یا «ابداً» جایگزین کرد.

۳۴. از آدم‌هایی که دروغ می‌گویند هیچ خوشم نمی‌آید.

در این نوشتار، عبارات «هیچ‌وقت»، «هیچ‌گاه» و مانند آن، با آنکه از ترکیب «هیچ» و یک اسم تشکیل شده‌اند، با توجه به رفتار افزوده‌ای که دارند، جزء قیده‌های منفی‌ساز در نظر گرفته می‌شوند. توضیح بیشتر به بخش بعد موقوف می‌شود.

## ۲-۳- نقش قیده‌ها در منفی‌سازی

صدیق ضیابری (۱۳۸۸: ۲۹۸)، «هیچ» و تمامی ترکیبات آن را در دسته کمی‌نماها/سورها قرار می‌دهد و «اصلاً»، «هرگز»، «ابداً»، «عمراً» و «نه» را قید منفی در نظر می‌گیرد. او

تقسیم‌بندی باقری (۱۳۸۵) را که معتقد است علاوه بر موارد پیش‌گفته «هیچ»، «هیچ‌وقت»، «هیچ‌گاه» و «به‌هیچ‌وجه» هم جزء قیده‌های منفی هستند را نمی‌پذیرد (همان: ۲۹۷). به نظر می‌رسد، صدیق ضیابری بیشتر از آنکه به کارکرد اقلام منفی‌ساز توجه کند، به ساختمان واژگانی آن پرداخته و صرف وجود «هیچ»، در ساختمان کلمه، آن را در ردیف کمی‌نماها قرار داده‌است. برای بررسی مفهوم قید منفی‌ساز می‌توان رفتار نحوی و معنایی آن را بررسی کرد.

به حداقل میان «نفی» و «اثبات»، وجه‌نمایی گفته می‌شود (تامپسون، ۲۰۱۳: ۹). براساس مفهوم وجه‌نمایی، در میان دو امکان «بله» و «خیر»، می‌توان درجاتی از احتمال را مانند «اغلب»، «گاهی» و «هیچ‌وقت» در نظر گرفت. این امکانات براساس اینکه به «نفی» نزدیک‌تر باشند یا به «اثبات» بر روی پیوستار قرار می‌گیرند. بر این اساس، سازه‌هایی که مفهوم احتمال را منتقل می‌کند، افزوده‌ی وجه‌نما هستند و سازه‌هایی که مفهوم نفی را بیان می‌کنند افزوده یا قید منفی‌ساز. عباراتی چون «هیچ‌وقت»، «هیچ‌گاه»، «به‌هیچ‌وجه»، «به‌هیچ‌عنوان»، «تحت‌هیچ‌شرایطی»، «هرگز»، «اصلاً»، «ابداً»، «عمرأ» و مانند آن، در سوی «منفی» پیوستار قرار دارند و وجود آنها سبب می‌شود تا جمله مفهوم منفی داشته باشد. این قیده‌ها یا افزوده‌ها جزء سازه‌های موضوع نیستند و تنها کارکرد قیدی دارند. در برخی زبان‌ها مانند زبان انگلیسی، در صورت حضور چنین قیدهایی در جمله، فعل جمله به شکل مثبت ظاهر می‌شود ولی جمله معنی منفی دارد. در زبان فارسی، معمولاً با وجود این گروه از قیده‌ها، فعل جمله، به شکل منفی ظاهر می‌شود، مانند مثال‌های زیر:

۳۵. هرگز بیشتر از یک ساعت آفتاب نگیرید.

۳۶. ماهی‌ها اصلاً پلک ندارند و نمی‌توانند مژه بزنند.

تنها قیدی که معنی منفی دارد ولی در عین حال با فعل مثبت به کار می‌رود، قید «عمرأ» است. در این حالت، به رغم مثبت بودن فعل، معنای آن منفی است و این مفهوم با توجه به قید «عمرأ» حاصل می‌آید. باقری هم در بررسی خود به این ویژگی قید «عمرأ» اشاره کرده‌است. در نمونه زیر، جمله الف را می‌توان به شکل جمله ب، بازنویسی کرد و بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که در هر دو جمله معنی منفی وجود دارد، اگرچه در جمله الف فعل مثبت است.

۳۷. الف- عمرأ تو این مهمانی شرکت کنم.

ب- تو این مهمانی شرکت نمی‌کنم.

بررسی داده‌بنیاد قیده‌های منفی‌ساز نشان می‌دهد که علاوه بر «عمر» در جملات پرسشی هم می‌توان اکثر قیده‌های منفی‌ساز را با فعل مثبت به کار برد. مثال‌های زیر نمونه‌ای از این کاربرد هستند:

۳۸. آیا عالمان واقعی اسلام هرگز امیال نفسانی خویش را بر این موضوع مهم غلبه داده‌اند؟

۳۹. اصلاً چه کسی باید بنشیند و اینها را امتیازبندی بکند؟

۴۰. آیا هیچ‌وقت به این مسأله فکر کردی؟

نکته این است که در این شرایط، قیده‌های مورد اشاره، دیگر قید منفی‌ساز نیستند و اساساً مفهوم نفی را منتقل نمی‌کنند. این مسأله را می‌توان با آزمون جایگزینی بررسی کرد. همان‌طور که در جملات (۴۱) تا (۴۳) دیده می‌شود، با جایگزین کردن افزوده‌های «به‌هیچ‌وجه»، «ابداً» یا «به‌هیچ‌عنوان» با افزوده‌های «هرگز»، «اصلاً» و «هیچ‌وقت»، جمله نادرستی می‌شود.

۴۱. \* آیا عالمان واقعی اسلام به‌هیچ‌وجه امیال نفسانی خویش را بر این موضوع مهم غلبه داده‌اند؟

۴۲. \* به‌هیچ‌وجه چه کسی باید بنشیند و اینها را امتیازبندی بکند؟

۴۳. \* آیا به‌هیچ‌عنوان به این مسأله فکر کردی؟

### ۳- نفی غیرجمله‌ای در زبان فارسی

پاین ذیل عنوان نفی غیرجمله‌ای دو نوع «نفی اشتقاقی» و «نفی در بند پیرو» را معرفی می‌کند. او اظهار می‌دارد که منظور از نفی غیرجمله‌ای تمام امکاناتی از نفی است که با آزمون‌های نفی جمله‌ای سازگاری ندارند. بر همین اساس پایین عنوان نفی غیرجمله‌ای را نسبت به عنوان نفی جمله‌ای که کلیما معرفی کرده مناسب‌تر می‌داند. اگر منظور از نفی غیرجمله‌ای، مواردی از نفی باشند که به آزمون‌های نفی جمله‌ای موردنظر پایین پاسخ نمی‌دهند، در آن صورت باید منفی‌سازی با فعل‌های دسته‌بالا و یا اسم منفی را در گروه نفی غیرجمله‌ای قرار داد.

#### ۳-۱- نفی اشتقاقی

شقاقی (۱۳۸۱) در بررسی پیشوندهای اشتقاقی منفی‌ساز، وندهای «غیر-»، «بی-»، «ضد-»، «نا-»، «ز-»، «لا-» و «پاد-» را معرفی می‌کند. در داده شقاقی، «غیر-» زیاترین وند است و پس از آن به ترتیب وندهای «بی-»، «ضد-»، «نا-»، «ز-»، «لا-» و «پاد-» قرار دارند. «غیر-» به پایه اسمی یا صفتی متصل می‌شود و معنی «جز آن» می‌دهد، این وند با آنکه معنی منفی

دارد، اما در ترکیب، لزوماً با «-نا» که آن هم مفهوم نفی را منتقل می‌کند، هم‌معنی نیست. «بی-» به پایه اسمی متصل می‌شود و صفت یا قید می‌سازد؛ «-ضد» به اسم اضافه می‌شود و صفت می‌سازد؛ «-لا» به اسم متصل می‌شود و صفت می‌سازد. پیشوندهای «-نا» و «-ذ» به ریشه افعال افزوده شده، صفت می‌سازند. «-نا» همچنین می‌تواند به اسم، صفت و صفت مرکب ساخته شده از فعل اضافه شود.

### ۳-۲- نفی در بند پیرو

پاین (۱۹۸۵: ۲۴۰) در بحث «نفی در بند پیرو» به زبان‌هایی اشاره می‌کند که بازنمایی نفی را در دو بند پایه و پیرو به شکل متفاوت صورت‌بندی می‌کنند و به این ترتیب بازنمایی صوری نفی در بند پایه و پیرو را به لحاظ رده‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد، برای مثال در زبان یروبا<sup>۱</sup>، ادات منفی ساز در جمله پایه  $k\bar{o}$  و در جمله پیرو  $m\bar{a}$  است. در زبان فارسی برای بازنمایی مفهوم نفی در بندهای مرکب، از همان راهکارهایی استفاده می‌شود که برای منفی کردن بند ساده استفاده می‌شود. به این ترتیب زبان فارسی در این مفهوم تنوعی ندارد اما با توجه به اینکه نفی غیرجمله‌ای در تعریف پایین به ساخت‌هایی اشاره دارد که با آزمون‌های نفی جمله‌ای سازگاری ندارند، می‌توان ذیل عنوان مفهوم «نفی در بند پیرو» مباحث دیگری را هم یادآور شد که در ادامه به آن اشاره‌ای می‌شود.

همان‌طور که در بخش ۲-۱-۱ هم گفته شد، در دستور نقش و ارجاع، جمله ساختار لایه‌ای دارد و عملگرهای فعلی هر لایه با لایه دیگر متفاوت است. عملگرهای لایه هسته، مختص به خود فعل هستند و شامل عملگرهای نمود، سوگیری و نفی می‌شوند. در لایه بخش اصلی، عملگرهای سوگیری، کمیت، وجه ریشه‌ای و نفی حضور دارند و نهایتاً عملگرهای لایه بند شامل وجه برداشتی، وجه گواه‌نمایی، زمان، نیروی منظوری و نفی است. همان‌طور که مشخص است نفی، تنها عملگری است که در تمام لایه‌ها حضور دارد. سیطره نفی هسته‌ای بر خود فعل است. سیطره عملگر بخش اصلی و بند بر فعل و سازه‌های غیرفعلی است و چون در لایه‌های بعدی عملگرهای وجه (ریشه‌ای، برداشتی و گواه‌نمایی) هم حضور دارند، بنابراین مفهوم نفی در ارتباط با آنها قرار می‌گیرد و سیطره عملکردش با توجه به عملگرهای وجه، متغیر می‌شود. به این ترتیب در بحث مفهوم نفی در بند پیرو لازم است تا به وجه جمله و نحوه بازنمایی آن هم توجه شود. در واقع در این بخش باید به رابطه میان قطبیت و وجهیت

1. Yoruba

پرداخته شود. تغییر در وجهیت جمله می‌تواند به تغییر در قطبیت جمله بینجامد و براساس آن استفاده از ابزارهای منفی‌سازی را تابع محدودیت‌هایی کند. بررسی چنین ارتباطی بحث طولانی را می‌طلبد که در این مجال نمی‌گنجد. از کارهای انجام‌شده در این خصوص می‌توان به اصفهانی (۱۳۷۵)، خشکباری (۱۳۹۷) و میرزائی (۱۴۰۰) اشاره کرد و به‌عنوان نمونه‌ای از این ارتباطات می‌توان به جمله (۴۴) اشاره نمود.

۴۴. الف- آنها مایلند در این مهمانی شرکت کنند.

ب- آنها مایل نیستند در این مهمانی شرکت کنند.

پ- آنها مایل نیستند در این مهمانی شرکت نکنند.

ت- آنها مایلند در این مهمانی شرکت نکنند.

اگر در بحث اجرایی شدن فعل و در پیوستار نفی و اثبات، نفی به معنی انجام نشدن فعل باشد، در آن صورت در بخش الف و پ جمله (۴۴)، امکان اجرایی شدن فعل بالاست و بر این اساس قطبیت آن را می‌توان مثبت در نظر گرفت. در بخش ب و ت امکان اجرایی شدن فعل در پایین‌ترین سطح وجود دارد و بر این اساس قطبیت آنها را می‌توان منفی در نظر گرفت. براساس آزمون پرسش ضمیمه، جملات الف و ت، مثبت و جملات ب و پ، باید منفی باشند.

#### ۴- نتیجه‌گیری

در دسته‌بندی پایین، مفهوم نفی در دو گروه قابل بررسی است: نفی جمله‌ای و نفی غیرجمله‌ای. در نفی جمله‌ای مجموعه امکاناتی مطرح می‌شوند که سبب می‌شود سیطره عملکرد نفی بر روی بند باشد. این امکانات، راهبردهای متنوعی شامل وندافزایی، استفاده از ادات نفی، فعل اصلی و کمکی منفی‌ساز، اسم منفی‌ساز، قیده‌های منفی‌ساز و کمی‌نماهای منفی‌ساز می‌شود. بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که الگوی غالب منفی‌سازی در زبان فارسی وندافزایی است اما به جز اسم منفی‌ساز، تمامی امکانات دیگر منفی‌سازی نیز در زبان فارسی کاربرد دارند. ادات «نه»، قیدی مانند «ابدا» و کمی‌نمای «هیچ»، نمونه‌ای از این امکانات منفی‌سازی در زبان فارسی هستند. در موضوع افعال اصلی و کمکی منفی‌ساز، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم اظهارنظر منصوره (۱۳۸۳)، باقری (۱۳۸۵) و صدیق ضیابری (۱۳۸۸) که استفاده از این گروه از افعال را در فارسی ناممکن می‌دانند، فعل‌های اصلی مانند «دوری کردن» و فعل کمکی «تکرد» را می‌توان به‌عنوان نمونه‌های فارسی این گروه از افعال در نظر گرفت. همچنین در موضوع قیدها و افزوده‌های منفی‌ساز

همسو با نگاه باقری (۱۳۸۵) و برخلاف نظر صدیق‌ضیابری استدلال شد که عباراتی چون «هیچ‌وقت»، «هیچ‌گاه» و مانند آن افزوده منفی‌ساز هستند.

گروه دوم امکانات منفی‌سازی ذیل عنوان نفی غیرجمله‌ای قرار می‌گیرد. این نوع منفی‌سازی دو زیربخش دارد: نفی اشتقاقی و نفی در بند پیرو. در نفی اشتقاقی این ایده مطرح است که با منفی کردن سازه‌های جمله، لزوماً کل بند منفی نمی‌شود و حتی با وجود سازه منفی می‌توان فعل را دوباره منفی کرد (علی ناراحت نیست). بر همین اساس در این حالت با نفی غیرجمله‌ای سروکار داریم. در زبان فارسی با استفاده از وندهای «غیر-»، «بی-»، «ضد-»، «نا-»، «ز-»، «لا-» و «پاد-» می‌توان سازه‌های جمله را منفی کرد. نوع دوم نفی غیرجمله‌ای نفی در بند پیرو است. پایین در این خصوص به زبان‌هایی اشاره می‌کند که بازنمایی مفهوم نفی در دو جمله پایه و پیرو را متفاوت صورت‌بندی می‌کنند. زبان فارسی برای بازنمایی مفهوم نفی در بندهای مرکب، از همان راهکارهایی استفاده می‌کند که برای منفی کردن بند ساده به کار می‌بندد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد تغییر در وجهیت جمله که می‌تواند در قالب یک بند جدا صورت‌بندی شود، به تغییر در قطبیت جمله بینجامد. بررسی توصیفی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که در بازنمایی مفهوم نفی به طور کلی می‌توان از سه راهکار وندافزایی، امکانات تحلیلی و نفی واژگانی استفاده کرد. توجه به سیطره عملکرد عناصر منفی‌ساز در جمله می‌تواند در توجیه رفتار نحوی مفهوم نفی راهگشا باشد. سیطره عملکرد عنصر نفی می‌تواند بر روی هسته، بر روی بخش اصلی و یا بر روی کل جمله باشد. بررسی نحوه اثرگذاری سیطره عملکرد عملگر نفی بر تنوع رفتاری آن می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

## منابع

- باقری، ش. ۱۳۸۵. «بررسی و مقایسه تکواژ نفی در زبان فارسی و انگلیسی و جایگاه آنها نسبت به فعل». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- خانلری، پرویز. ۱۳۹۲. *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- ربانی اصفهانی، ک. ۱۳۷۵. «عناصر نفی در زبان فارسی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- روشن، ب. و شهلا ب. ۱۳۹۲. «آیا هر جمله مثبت فارسی یک نظیر منفی دارد؟»، *دب پژوهشی*، (۲۵): ۱۶۱-۱۷۷.

- رضایی، و. و م. آزادمنش. ۱۳۹۸. «رده‌شناسی نفی در زبان فارسی: انگاره نقشه معنایی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، (۱۵): ۵۵-۶۷.
- شقاقی، و. ۱۳۸۱. «پسوند نفی در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، (۲۰): ۸۵-۹۶.
- صدیق ضیابری، ر. ۱۳۸۸. «تجزیه و تحلیل نفی در زبان فارسی معاصر: رویکردی نحوی و کلامی»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- طیب‌زاده، ا. ۱۳۹۱. دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، تهران: نشر مرکز.
- مظفری، ز. ۱۳۹۶. «نظام قطبیت در زبان فارسی: رویکردی رده-نقشی»، زبان‌کاوی، (۴): ۲۵-۵۲.
- منصوری، م. ۱۳۸۳. «نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبانی»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- میرزائی، آ. ۱۳۹۷. «فعل‌های چندپاره زبان فارسی»، علم زبان، (۲): ۵۳-۷۰.
- میرزائی، آ. ۱۳۹۷. «عملگر سوگیری در زبان فارسی»، جشن‌نامه دکتر شقاقی، به کوشش ش. مدرس و ف. قطره، تهران: نویسه پارسی: ۳۹۹-۴۰۹.
- میرزائی، آ. ۱۴۰۰. «رابطه قطبیت و وجهیت بندی در زبان فارسی»، مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب/ایران، (۱)۹: ۱۱۳-۱۳۵، doi: 10.22126/jlw.2020.5372.1442.
- نجفی، ا. ۱۳۹۰. «مصاحبه با ابوالحسن نجفی»، در جشن‌نامه ابوالحسن نجفی، به کوشش ا. طیب‌زاده. تهران: نیلوفر، ۱۹-۲۱۰.
- Bond, O. 2009. Mapping Negation in Conceptual Space, In Peter K. Austin, Oliver Bond, Monik Charette, David Nathan & Peter Sells (eds), Proceeding of Conference on Language Documentation and Linguistic Theory 2, 51-60, London: SOAS.
- Erteschik-Shir, N., 2007. *Information Structure: The Syntax-Discourse Interface*, Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M., and C. Matthiessen, 2014. *an introduction to functional grammar*. London and New York: Routledge.
- Givón, T. 2001. *Syntax: an introduction* (Vol. 1). John Benjamins Publishing.
- KLima, E. S. 1964. Negation in English. In J. A. Fodor and J. J. Katz, eds. *The Structure of Language*. Englewood Cliffs, N.J., Prentice-Hall: 246-323.
- Miestamo, M. 2005. Standard Negation: the Negation of Declarative verbal Main Clauses in a Typological Perspective. In *Empirical Approaches to Language Typology* 31, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Miestamo, M. 2007. Negation: An Overview of Typological Research. *Language and Linguistic Compass*, 1/5, 552-570.



- Mirzaei, A., A. Moloodi. 2016. Persian proposition Bank. In *Proceedings of the 10th International Language Resources and Evaluation*. Portorož (Slovenia). May. pp. 3828-3835.
- Morgan, J. L. 1975. "Some Interactions of Syntax and Pragmatics", In P. Cole and J. L. Morgan (eds.) *Syntax and Semantics: Speech Acts*, vol. iii. New York: Academic Press, 289-303.
- Payne, J.R. 1985. Negation. In *Language Typology and Syntactic Description*, Vol 1, Clause Structure, Timothy Shopen (ed), 197-242, Cambridge, Uk: Cambridge University Press.
- Thompson, G. 2013. *Introducing Functional Grammar*, third edition, Routledge Press.
- Van Valin, R. D., Jr. 2005. *Exploring the Syntax–Semantics Interface*. Cambridge University Press.



## Negation in Persian Language

Azadeh Mirzaei<sup>1\*</sup>

Received: 2019/12/07

Accepted: 2021/08/28

### Abstract

Languages use different strategies for representing the concept of negation. According to the typological approach of Payne (1985), we can classify negation into two categories: sentential negation and non-sentential negation. The sentential negation that has scope over the whole clause contains various possibilities like using affixes, negation particles, negative auxiliary verbs, higher negative verbs, negative nouns, negative adverbs, and negative quantifiers. Non-sentential negation is divided into two subdivisions, including derivational negation and negation in subordinate clauses. This descriptive study attempted to introduce the concept of negation in the Persian language according to the natural language data using the Persian Proposition Bank and different examples in web pages. The findings showed that the dominant pattern of negation in Persian is affixation, but other strategies of the sentential negating introduced by the Payne can also be found in Persian. The particle *na* 'not', main verbs such as *xodda.i kardan* 'avoid', the auxiliary verb *naka.ıdan* 'do not', adverbs such as *abadan* 'not at all' and the negative quantifier *hič* 'no' are some examples of negation possibilities in Persian. This study also showed that the occurrence of a negative verb or quantifier does not necessarily lead to a negative verb.

**Keywords:** Negation, Polarity, Negation particle, Negation verb, Persian language.

### 1. Introduction

There are various possibilities for expressing the concept of negation in different languages. Typological studies show that each language usually

---

1. Associated Professor in Linguistics, The Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Theran, Iran.\* Email: azadeh.mirzaei@atu.ac.ir

has a dominant way to negate the sentence and its component parts, but at the same time, it uses other possibilities. This study examines the concept of negation in the Persian language according to the typological approach of Payne (1985) and attempts to find out what strategies we can use in the Persian language.

## **2. Theoretical framework**

According to the typological approach of Payne (1985), negation is classified into two categories: sentential negation and non-sentential negation. The sentential negation has scope over the whole clause contains various possibilities like using affixes, negation particles, negative auxiliary verbs, higher negative verbs, negative nouns, negative adverbs, and negative quantifiers. Non-sentential negation is divided into two subdivisions, including derivational negation and negation in subordinate clauses.

## **3. Methodology**

This descriptive study attempts to introduce the concept of negation and examines how this concept is represented in the Persian language. This study is based on the natural language data using the Persian Proposition Bank (Mirzaei and Moloodi, 2016) and different examples on the web pages. The theoretical framework of this study is based on the typological approach of Payne (1985) to the concept of negation. According to Payne (1985), there are various possibilities for negation like using affixes, negation particles, negative auxiliary verbs, higher negative verbs, negative nouns, negative adverbs, negative quantifiers, and also derivational negation and negation in subordinate clauses as the non-sentential negation. This study examines the natural language data to find these different possibilities of negation in the Persian language.

## **4. Results & Discussion**

Persian Language as an analytic language uses specific grammatical words and function words, or particles, rather than inflection to express syntactic relations like modality, tense, aspect, voice, etc., within the sentences. But it seems that the dominant strategy to negate the verb is the use of the prefix *na-*, and conversely, the use of negation particles is not very common in modern Persian. Moreover, intuitively, it seems that negative auxiliary verbs, negative verbs, and negative nouns as the different

strategies to express the concept of negation do not exist in the Persian language.

Contrary to popular belief, this study shows that the Persian language like an analytic language uses some grammatical words to express the concept of negation. In other words, the findings show that the common pattern of negation in Persian is affixation, but the other strategies of the sentential negating introduced by Payne (1985) can also be found in the Persian language. The particle *na* 'not', negative verbs such as *xodda.i kaidan*, *pahiz kaidan*, *zemtena kaidan* 'avoid', etc., the auxiliary verb *nakaidan* 'do not', adverbs such as *abadan*, *hagez*, *romian*, *zaslan* 'not at all', etc., and the negative quantifier *hič* 'no' are some examples of negation possibilities in Persian.

There are some points to note here.

1. When the concepts of tense, aspect, mood, and voice are expressed using modal and auxiliary verbs, the negative prefix *na-* 'not' has a definite pattern when negating the verb. The negative prefix *na-* is added to the future tense auxiliary verb *xastan* 'want' and the voice auxiliary verb *šodan* 'become'. It also added to the verb itself when there is the past tense auxiliary verb *bud* 'was' in the sentence. When there are Modal auxiliary verbs like *tavanestan* 'could', *bayestan* 'should' in the sentence, the negative prefix *na-* can be added to the modal verb or main verb.
2. a. The use of particle *na* 'not' belongs to colloquial and spoken language.  
b. There are at least two types of the particle *na* 'not'; one which has scope over the whole sentence and the other one which has scope over the verb.
3. In addition to negation, the higher negative verbs also carry any inflections, indicating tense, mood, and aspect. The main predicate of the sentence appears as the complement of the higher negative verb.
4. If a declarative and imperative sentence contains the negative quantifier *hič* 'no', we negate the verb by adding the prefix *na-* too, but in interrogative sentences, the verb can be in negative or positive form.

## 5. Conclusions & Suggestions

The findings showed that there are three strategies to negate the verb or the whole sentence in the Persian language: 1. inflectional negation, 2. analytical negation, and 3. derivational negation. These different strategies allow the language users to use diverse constructions based on different

contexts and discursal purposes. This correlation can be considered in future studies.

### Select Bibliography

- Bond, O. 2009, Mapping Negation in Conceptual Space, In Peter K. Austin, Oliver Bond, Monik Charette, David Nathan & Peter Sells (eds), *Proceeding of Conference on Language Documentation and Linguistic Theory 2*, 51-60, London: SOAS.
- Mansouri, M. 2004. Negation in Persian Language based on Typology, *Proceedings of 6<sup>th</sup> Iranian Conference on Linguistics*, Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. [In Persian]
- Miestamo, M. 2005, Standard Negation: the Negation of Declarative verbal Main Clauses in a Typological Perspective. In: *Empirical Approaches to Language Typology 31*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Miestamo, M. 2007, Negation: An Overview of Typological Research. *Language and Linguistic Compass*, 1/5, 552-570.
- Mirzaei, A. & A. Moloodi 2016. Persian proposition Bank. In: *Proceedings of the 10th International Language Resources and Evaluation*. Portorož (Slovenia). May. pp. 3828-3835.
- Mirzaei, A. 2021. The Relationship between Polarity and Clausal Modality in Persian, *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 9(1), 113-135. doi: 10.22126/jlw.2020.5372.1442. [In Persian]
- Rezaee, V., Azadmanesh, M. 2018. A typological approach to negation in Persian: semantic map. *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research*, 8(15), 55-67. doi: 10.22084/rjhl.2017.5427.1323. [In Persian]
- Rowshan, B. and Bagheri, S. 2014. Does Any Affirmative Sentence Have a Negative Correspondent?. *Journal of Adab Pazhuhi*, 7(25), 161-177. [In Persian]
- Sedigh - Ziabari, R. 2009. Studying Negation in modern Persian language: Discursal and Syntactic Approach, (PhD thesis), Tarbiat Modares University, Tehran. [In Persian]